

پوری‌پدیا PouriPedia

قوزهای بالا قوز تهران



پوریا عالمی

● تهران روی کمر بند زلزله زمین است و هربار که زمین نیاز داشته باشد کمر بندش را باز و بسته کند، یک تکانی هم به تهران می‌دهد. مسئله اینجاست که مزاج زمین برنامه مشخصی ندارد. به همین مناسبت تهرانی‌ها سال‌هاست هول‌هولا دارند که کی یک تکان اساسی خواهند خورد. دانشمندان به تکان اساسی زلزله می‌گویند. زلزله اولین قوز تهران است.

۵ نشان مدرن بودن تهران

از علائم مدرنیته شهری در تهران پنج‌تا هستند:

۱- چراغ‌های صوتی و قرمز شهرداری در پل طبیعت

۲- شیرآبه (که به علت املاح، رنگ آب شیری‌رنگ شده و طعم شیر مانده می‌دهد)

۳- خدمات شهروندی - شهری مثل آتش‌نشانی و اورژانس (که برای اطمینانی که مسئولان به شهروندان دارند همیشه نیم‌ساعت دیر اورژانس و آتش‌نشانی می‌رسد تا مردم بتوانند روی پای خودشان بایستند)

۴- هوا (که کاملاً پس و پس‌مانده کارخانه‌ها و آلاینده‌ها و سوخت ماشین‌هاست)

۵- فاضلاب تاریخی (که فاضلاب تهران به‌عنوان تنها موزه تاریخی - فاضلابی - فیزیولوژیک جهان زیر شهر تهران برقرار است و با آن سبزی‌کاری و صیفی‌جات جنوب تهران را می‌کنند)

تهران نشست کرد

در سال ۱۳۹۴ برای اولین‌بار وزارت نیرو اعلام کرد تهران سالی ۳۶ میلی‌متر نشست می‌کند اما نگفت در چی.

تهران به گل نشست

دانشمندان این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا تهران به گل خواهد نشست؟ و آیا این تهران خسته، به زلزله بنده؟ ما نمی‌دانیم. شما نیز با اضافه‌کردن اطلاعات قشنگ خود به تکمیل دانش‌نامه بین‌المللی و چندزبانه پوری‌پدیا کمک کنید. البته می‌توانید کمک نقدی کنید و جیب ما را پر کنید. ممنون.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴ • ۱۵ رجب ۱۴۳۶ • ۴ می ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۸۳ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۳ • اذان صبح فردا ۴:۳۴ • طلوع آفتاب ۶:۰۹

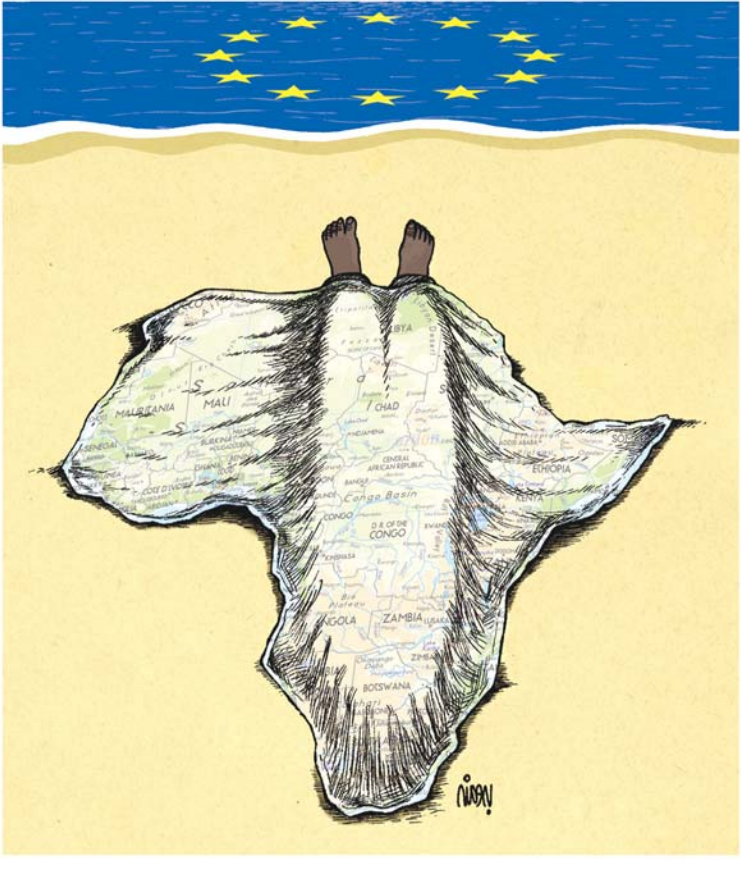
روزنامه‌فردا

کارتون خواب

پیام برومند

payam.borumand@gmail.com

مهاجرت بی سرانجام



کافه نارون VIP

محیطی خاص برای افراد خاص



رزرو

۲۶۱۰۳۹۸۰

نیاوران | مرکز خرید نارون | طبقه همکف | واحد ۷

پارکینگ اختصاصی



لیلی گلستان

جناب مستطاب وزیر ارشاد

چهار کتاب از تاجرح و تالیفات این کمینه به تفاریق دوسال و سه سال و پنج سال و ۱۰ سال به ممیزی گرفتار گشته که به شرح مختصر معروض می‌دارد: اول کتاب محبوب‌القلوب «زندگی در پیشرو» که در سنه ۱۳۵۳ خورشیدی به طبع رسید و در سنه ۱۳۵۸ به بند درآمد و در سنه هشتاد به چاپ و چاپ چندباره افتاد و از سنه هشتادوچهار تا هژالایوم به صواب‌دید آن وزارتخانه جلیله در محاق ماند لکن از غریب آنکه همواره در شمالیل مختلفه برابر اصل در دکاکین معتبره رویت شده و به دست طالبان غافل رسیده، حتی در بلاد خارجه صاحب «پارانسپ» و متعهد به حق‌التالیف (یا کاپیرایت)، توسط معروفان شهره به عباس معروفی در دارالکتایش گردون به چاپ‌های مکرر با کاورهای سخیف و سقط افتاده که در توصیفشان معاذالله می‌توان گفت افسد در افسد یا به تعباییر حالیه افسد در افسد بوده بی‌آنکه مرتکب ترجمه نقشی

کودکی

روایت خاریشت ومخمل بچه!



محمدهادی محمدی

مردم تاجیک و فارسی‌زبان افغانستان زیانزدی بسیار شیرین دارند که در آن خاریشت یا جوجه‌تیغی هربار که می‌خواهد بچه‌اش را ناز کند، دستی به تیغ‌های او می‌کشد و می‌گوید: قریون تو برم مخمل‌بچه! این زیانزد، نکته بسیار مهمی در خود دارد و آن ایجاد توهم در کودکان‌مان است. این حکایت را گفتم تا آن را به شیوه تربیتی بخشی از کودکان ایرانی پیوند دهم. رفاه اجتماعی و رسانه‌های ارتباطی نو سبب شده است سندرم کودک لوس Spoiled Child Syndrome یا سندرم بیش‌تیماری در جامعه ایران و میان‌بخش‌های میانی و فرادستی هرروز فراگیرتر شود. نشانه‌های این سندرم از روش‌های تربیتی والدین برمی‌خیزد که به هر خواست کودک پاسخ مثبت می‌دهند. این پاسخ مثبت برای این شیوع پیدا کرده است که گروهی از خانواده‌های جوان و میان‌سال برای کودکان خود نمی‌خواهند وقت مناسب بگذارند و می‌خواهند زمان بیشتری برای خودشان داشته باشند. و چون این در تضاد با شیوه‌های درست تربیتی کودک است، از روش صداخفه‌کن استفاده می‌کنند. کودک چهار و پنج‌ساله در دست مادروپدرش موبایل می‌بیند، بکی دارد، بکی دیگر هم می‌خواهد. هربار که کودک چیزی درخواست می‌کند، ساده‌ترین کار این است که با روش صداخفه‌کن به خواست‌های او پاسخ مثبت دهند و این کارها در نهایت، زندگی کودک را تباه می‌کند، زیرا کودکی که در خانواده با این سندرم درگیر می‌شود، با تصور اینکه جامعه نیز به همه خواست‌های او پاسخ مثبت می‌دهد، وارد جامعه می‌شود و در آنجا سرش به سنگ می‌خورد. وضعیت سخت اقتصادی و اجتماعی که در سال‌های گذشته جامعه ما را درگیر کرده، یکی از دلایل بی‌وقتی یا کم‌وقتی والدین است. عامل دیگر رقابتی است که چون خوره به جان خانواده‌های ایرانی افتاده است. والدین برای خودنمایی و دلیل‌های آشکار و پنهان دیگر، می‌خواهند از همسایه و خویشان خویش سر باشند و این سرآمدبودگی را به حوزه تربیت کودک و بیش‌تیماری او هم می‌کشانند. اگر می‌شود برای پرهیز از آلودگی محیط زیست بچه‌ها را به صورت گروهی به مدرسه ببرند و برگردانند، اما وضعیت چنان شده است که برخی از خانواده‌ها کودک خود را از هرگونه چالشی با رخداد‌های زیستی پرهیز می‌دهند و خود درگیر این چالش‌ها می‌شوند. اگر کودک با دوست خود براساس خودخواهی قهر کرده است، پدر و مادر یک طرف وارد میدان می‌شوند و با خریدن یک کالا یا میهمان‌کردن به یک فست‌فود به خیال خود، مشکل رابطه میان این‌دو را آسان می‌کنند. در این وضعیت، کودکان دیگر توان تمایز میان نیازهای واقعی زیستی و خواست‌های کاذب را درک نخواهند کرد. کودکان امروز از جنبه جسمی و بدنی بسیار کم‌توان‌تر از کودکان نسل‌های پیشین هستند. مادران و پدران حتی اجازه نمی‌دهند کودکان شان در خانه دست به سیاه‌وسفید بزنند. اکنون دیدن اینکه کودک غذای خود را می‌خورد و حتی ظرف کثیف آن را در ظرفشویی نمی‌گذارد، یک امر رایج است. به قول دوستی، اگر می‌شد، برخی مادران و پدران به‌جای بچه‌های خود راه می‌رفتند تا خدای‌نگرده پاهای آنان نیرویی مصرف نکند. در حوزه آموزش هم این مسئله حاکم است. گرفتن معلم خصوصی و هزینه‌های گزاف برای اینکه کودک ما انرژي کمتری برای درک و کشف دانش مصرف کند، در یک نگاه عمیق‌تر بخشی از فرایند بیش‌تیماری یا لوس‌کردن کودکان است. این آسیب جدی است. نظام آموزشی و نظام خانواده باید آن را جدی بگیرد. چاره نخست برای این کار، سخن‌گفتن از این موضوع است. آگاهی مقدمه تغییر است اگرچه ممکن است همیشه با تغییر همراه نباشد.

و سهمی داشته باشد یا آن وزارتخانه عالیه خبری و نظارتی.

دوم کتاب شاعرانه و شورانگیز «میرا» که در سنه ۱۳۵۲ به زیور طبع آراسته گشت و فی‌الغور مطبوع طبع همگان واقع شد، اما با کپورها اسف از بخت سیاه‌اش که در سال ۱۳۵۸ به دام همان فوق‌الذکران افتاد و به مدت بیست‌ودوسال مترجم میرای «میرا» را در حسرت چاپ مجدداً با مجوز معطل نگهداشت درحالی که به مشاهده می‌دید «میرا»اش در سینه‌های متواتره به چاپ چاپ است و عمر این کمینه درگذر و رو به انتها.

سوم نمایشنامه اوندین است که نخستین‌بار در سنه ۱۳۶۶ خورشیدی به چاپ رسید اما بیست‌وچهار سال در محاق مجوز رسمی باقی ماند، حال آنکه خدا گواه است که در آن کتاب هیچ واقعه‌ای خلاف عرف حتی در بلده کفرآلود افرنک نمی‌افتد.

چهارم کتاب گفت‌وگویی است با مرتکب یک سانحه در باب شرح‌شرح‌کردن سنت دیرینه

رودردرو

گفت‌وگو با حمید رضا جلایی‌پور

بازگشت به گذشته، افسردگی را درمان نمی‌کند

را مثل جذام و فلج اطفال حذف کرده باشیم؛ اما در شاخص افسردگی ظاهرا خیلی جلو رفته‌ایم. فساد هم یکی از بیماری‌های امروزی و به‌اصطلاح مدرن ماست. حاملان فساد در ایران، امروز دیگر کارمندان بازمانده از رژیم پهلوی نیستند. فساد‌های عظیم دارد از میان نیروهای متعهد نیرو می‌گیرد زیرا توسعه ما بدقواره و ناموزون است. ساختمان‌های محکم و مدرن می‌سازیم ولی در مدیریت شفاف سازمان‌های خود مشکل داریم. خیلی از افراد در زندگی در چنین جامعه‌ای گیج و سرخورده می‌شوند.

راه‌حلی هم برای این نوع بیماری‌ها هست؟

بازگشت به گذشته، افسردگی را درمان نمی‌کند؛ نمی‌توان به خاطر بیماری‌هایی شبیه به افسردگی، جامعه را به گذشته بازگرداند بلکه باید توسعه آن را متوازن و مردمی و بهداشتی و دوستدار محیط‌زیست و کارآمد کنیم. این کار به یک مشارکت عمومی و گسترش عرصه نقد و بررسی امن نیاز دارد که تا رسیدن به آن فاصله داریم. اما به نظرم یک قدم

مهم برداشته‌ایم و آن هم عبور از دوران هشت ساله ضدتوسعه دولت نهم و دهم است. دوره قبلی نه به دنبال توسعه متوازن و پایدار بود و نه به دنبال بررسی آسیب‌های آن، بلکه ریشه‌زنی توسعه هدف قرار گرفته بود. تا جایی که شایسته‌سالاری از بین رفت و نخبه‌زدایی جای آن را گرفت. پرونده بورسیه‌های غیرقانونی، جدال میان سنت و مدرنیته نبود

بلکه جدال میان طرفداران ضدتوسعه پایدار و طرفداران رشد و تغییرات تحمیلی و کتره‌ای بود. این چالش‌ها انرژی دولت و جامعه مدنی را برای کنترل آسیب‌های اجتماعی و بیماری‌های مدرن می‌گیرد و تعداد آنها از حد نرمال بیشتر می‌شود.

با این حساب حتی در افسردگی جامعه هم، فعالیت‌های سیاسی می‌تواند نقش داشته باشد؟

کشور ما از یک طرف دچار توسعه‌های آمرانه و بدقواره بود و در سال‌های اخیر دچار نگاه و اقدامات ضدتوسعه هم شد. در صورتی که راه عبور ما از معضلات، حرکت به سمت توسعه‌ای پایدار، مسئولانه و با کمک جامعه مدنی و شهروندان فعال است. اصلا یادتان باشد خود پدیده انقلاب اسلامی یک خواست عمومی بود که مردم خیلی سریع می‌خواستند به یک توسعه درون‌زا و نه یک توسعه آیکی برسند. در زمان انقلاب این نیروهای ضدتوسعه در حاشیه بودند. خوشبختانه بعد از انتخابات بازدهم، اندک‌اندک در حال فاصله‌گرفتن

از این روند ضدتوسعه‌ای هستیم و من امیدوارم که روحانی بتواند دولت را به‌تدریج در مسیر یک دولت توسعه‌گرا (اما توسعه‌ای درون‌زا، پایدار و همه‌جانبه و با مشارکت مردم) قرار دهد تا از این طریق و با کمک جامعه مدنی بهتر بتوان بیماری‌های جامعه مدرن را در ایران کنترل کرد.

پیشنهاد

همایش کپی‌رایت و دغدغه‌های امروزی

است. به‌دلیل عدم عضویت ایران در قوانین جهانی کپی‌رایت و نبود قانون مشخص داخلی، صاحبان اثرهای دزدیده‌شده خسارت‌های غیرقابل‌جبرانی دیدند. هربار و هرساله نیز این بحث پیش می‌آید که ایران آیا عضو این سازمان می‌شود یاخیر؟ همایشی یک روزه با این عنوان امروز در تالار وحدت با حضور معاون سازمان wipo و جمعی دیگر از تحلیلگران و فعالان ایرانی و خارجی در آن شرکت کردند. روز پنجمشنبه نیز در نمایشگاه کتاب نشستی با حضور ناشران و مهمانان این همایش برگزار می‌شود.

شرق: بارها در همین صفحه درباره حق کپی‌رایت و حق مالکیت معنوی آثار فرهنگی صحبت شده است. کپی‌رایت به زبان ساده به این معنی است که هیچ فردی حق ندارد رسانه‌های محافظت‌شده مثل کتاب، قطعات موسیقی و فیلم را که متعلق به شخص دیگری است، کپی و پخش کند. در صورتی که این مسئله رعایت نشود، مؤلف و صاحب اثر حق دارد فرد خاطی را تحت پیگرد قانونی قرار دهد. از سال ۱۹۶۷ مدیریت این اتفاقات برعهده سازمان جهانی حمایت از حقوق مایملک معنوی (WIPO) قرار گرفته